

# امتحانات متمرکز تکلیبی نیمسال دوم ۹۸-۱۳۹۷

رشته فلسفه، کلام، امامت، مهدویت مهر ۹۷

مهر مدرسه

ساعت برگزاری: ۱۰ صبح / نمره: ۱۴ / مدت پانگونی: ۶۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد امتحان :	۳۹۷۲/۱۳
تاریخ آزمون :	۱۳۹۸/۰۴/۰۲
عنوان:	اصول فقه ۲
کتاب:	اصول فقه مظفر - جلد ۱ و ۲
محدوده:	از ابتدای الباب الثانی (غیر مستقلات عقلیه) تا پایان بحث اجتماع امر و نهی

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد طلکبی: ..... مدرسه علی: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۰/۵

۱- حکم شک در وجوب اداء یا قضا در هنگام شک در اجزاء اتیان به امر اضطراری چگونه است؟ ص ۳۰۶

- الف. شک در تکلیف - مجرای برائت
- ب. شک در مکلف به - مجرای اشتغال
- ج. شک در تکلیف - مجرای اشتغال
- د. شک در مکلف به - مجرای برائت

۰/۵

۲- با کدام معنا برای «نهی» بحث «الامر بالشیء هل یقتضی النهی عن ضده العام او لا» نامعقول است؟ ص ۳۵۶

- الف. طلب الترك
- ب. طلب الكف
- ج. الردع
- د. الزجر

۰/۵

۳- مرحوم مظفر با توجه به عدم قبول کدام مسلک در بحث ضد، شبهه کعبی را رد می کند؟ ص ۳۶۲

- الف. مسلک تلازم
- ب. مسلک مقدمیت
- ج. مسلک عینیت
- د. مسلک جزئیت

۰/۵

۴- مراد از «اجتماع» و «واحد» در بحث «اجتماع الأمر و النهی فی الواحد» کدام است؟ ص ۳۷۸-۳۷۹

- الف. اجتماع موردی - واحد فی الوجود
- ب. اجتماع حقیقی - واحد فی الوجود
- ج. اجتماع موردی - واحد جنسی
- د. اجتماع حقیقی - واحد جنسی

۲

۵- مراد از «اجزاء» چیست؟ محل بحث را به طور کامل تبیین نمایید. ص ۳۰۳-۳۰۱

جواب: شکی نیست در صورتی که مکلف، مامور به را با همه اجزاء و شرایط آن امتثال نماید مجزی است یعنی کفایت از امتثال دارد و نیاز به امتثال دیگر نیست پس امر فعلی ساقط می گردد چون غرض حاصل شده و داعی بر آن نیست. محل بحث: اگر مکلف به دلیل عذر به حکم اضطراری یا جهل به واقع به حکم ظاهری عمل کرده است و سپس عذر بر طرف یا واقع کشف گردد در این صورت آیا عمل به امر اضطراری یا ظاهری مجزی برای امر واقعی است در صورتی که امکان اعاده در وقت یا قضای آن در خارج وقت وجود داشته باشد. [در حقیقت این بحث ملازمه عقلی بین اتیان به مامور به به امر اضطراری یا ظاهری است و بین اجزاء امر اختیاری واقعی است.]

۲

۶- دلیل قائلین به اجزاء در اصول منقح موضوع تکلیف در صورت کشف یقینی خلاف را با مثال تبیین نمایید. ص ۳۱۳-۳۱۲

جواب: اصل جاری در موضوعات، در واقع شرط [یا جزء] معتبر در تکلیف را توسعه می دهد و آن را شامل موضوعات ظاهری نیز می کند، مثلاً شرط لباس نمازگزار طهارت است که دلیل استصحاب طهارت [یا قاعده طهارت] این شرط را شامل طهارت ظاهری نیز می کند یعنی لباس نمازگزار باید طاهر باشد، خواه علم به طهارت واقعی داشته باشیم، خواه با استصحاب طهارت آن را احراز نماییم، در هر دو صورت شرط نماز حاصل است. بنابراین اگر بعداً کشف

شود که لباس مستصحب الطهارة نجس بوده است، نمی‌توان حکم به عدم اجزاء نماز خوانده شده با آن لباس نمود، زیرا شرطیت طهارت لباس اعم از طهارت واقعی و ظاهری [یعنی استصحابی] بوده است و مکلف نیز آن شرط را داشته است [ولی از این به بعد که علم به نجاست آن پیدا کرد، باید لباسش را تطهیر کند و نماز بخواند.] (رساندن مفهوم کافی است).

۲

۷- «ترتّب» را به اختصار توضیح داده، دلیل قائلین به استحاله را به همراه پاسخ تبیین نمایید. ص ۳۷۳

جواب: ترتّب: عقلاً مانعی ندارد در بین دو ضد، امر به مهم هنگام عصیان اهم، فعلی باشد زیرا جمع بین ضدین لازم نمی‌آید. (نمره ۰/۷۵) دلیل قائلین به استحاله: ترتّب مستلزم فعلیت امر به ضدین در آن واحد می‌گردد زیرا در صورت ترک اهم، مهم فعلیت دارد و اهم نیز فعلی است و امر به ضدین در آن واحد محال است. (نمره ۰/۷۵) پاسخ: قید «آن واحد» مربوط به امر است نه ضدین در صورتی که اگر قید ضدین باشد محال لازم می‌آید. (نمره ۰/۵)

۸- دو مستندی که قائلین به جواز اجتماع امر و نهی برای اثبات مدعایشان می‌توانند به آن استناد کنند را بیان کرده، توضیح

۲

دهید. ص ۳۸۰

جواب: ۱- بنا بر اینکه عنوان، متعلق تکلیف باشد و حکم به معنوی سرایت نکند پس انطباق دو عنوان بر فعل واحد مستلزم این نیست که متعلق دو حکم باشد پس ممتنع نیست اجتماع امر و نهی و در حقیقت خود امر و نهی با هم اجتماع نکرده اند. ۲- بعد از قبول اینکه متعلق حکم، معنوی است، تعدد عنوان، مستدعی تعدد معنوی است واقعاً زیرا به نگاه دقیق فلسفی تعدد عنوان موجب تعدد معنوی است و در حقیقت اجتماع به دقت عقلی راجع است به اجتماع موردی که استحاله ندارد مانند نگاه به نامحرم در نماز.

۹- نظر صاحب کفایه<sup>(ه)</sup> و مرحوم نائینی<sup>(ه)</sup> را در فرق بین مسأله «اجتماع امر و نهی» و «تعارض» در موارد عامین من وجه

۲

بنویسید. ص ۳۸۹-۳۹۰

جواب: نظر صاحب کفایه<sup>(ه)</sup>: اگر مناط حکم در هر یک از دو متعلق ایجاب و تحریم حتی در مورد اجتماع احراز گردد از موارد اجتماع امر و نهی است و لی اگر مناط یکی از دو حکم بدون تعیین به نحو علم اجمالی احراز گردد، از موارد تعارض است. نظر مرحوم نائینی<sup>(ه)</sup>: اگر حیثیت در عامین من وجه، حیثیت تعلیلی باشد از باب تعارض است و اگر حیثیت تقییدیه باشد با مندوحه از باب مسأله اجتماع امر و نهی است و اگر بدون مندوحه باشد داخل در بحث تراحم است.

۲

۱۰- دلیل حرمت خروج از مغضوب را در مسأله «التوسط فی المغضوب» بطور مختصر بنویسید. ص ۴۰۴

جواب: قبل از دخول هر نوع تصرف (دخول، مقام، خروج) حرام است چون تمکن از دخول و خروج دارد و اگر چه بعد از دخول مضطر به خروج شود ولی چون این اضطرار با سوء اختیار خودش بود (که داخل مغضوب شده) و امتناع بالاختیار منافات با اختیار ندارد پس حرمت این خروج برداشته نمی‌شود و این شخص داخل در عنوان متصرف در ملک غیر بدون اذن بوده و اضطرار او را از این عنوان خارج نمی‌کند.

«سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۲۱۴۴۲۱ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد.»